



۰۷ سپتمبر، ۲۰۲۴

داکتر ضیاء نظام

ناقضان تعهدات بین‌المللی مستحق کرسی افغانستان در سازمان ملل متحد نیستند



REUTERS

سه سال بعد از تسلط طالبان بر افغانستان، مردم کشور با مشکلات بزرگ روبه‌رو هستند و هر روز به تعداد و عمق این مشکلات افزوده می‌شود. اقتصاد کشور ورشکسته‌تر از گذشته شده و حیات بخش کلان ساکنان کشور به کمک‌های خارجی شدیداً وابسته است. خلاف آن چه طالبان در اوایل تبلیغ می‌کردند، فساد نه تنها از بین نرفته بلکه به اشکال خطرناک‌تری در حال گسترش است، طوری که افراد زورمند بدون هیچ‌گونه نظام پاسخ‌گویی، مشغول انحصار و حیف و میل منابع محدود کشورند. مشکلات امنیتی اگرچه به دلیل خروج عساکر خارجی و حذف یکی از طرف‌های داخلی جنگ، کاهش یافته، اما حاکمیت طالبانی نامنی را به اشکال و ابعاد تازه به خانه‌ها و محلات اقشار مختلف انتقال داده است. اکنون مخالفان طالبان در هراس و تهدید دائم به سر می‌برند، ده‌ها هزار تن تا کنون زندانی و شکنجه شده‌اند و هزاران نفر دیگر به قتل رسیده‌اند. نامنی روانی،

شغلی، سیاسی و جنسیتی بیش‌تر جامعه را فلج کرده است. داستان زنان افغانستان، امروز به تلخ‌ترین تراژدی بشری در سطح جهان بدل شده است. نیم‌پیکر جامعه از همه حقوق محروم گردیده و با سرکوب و حذف همه جانبه از زنده‌گی اجتماعی مواجه شده‌اند. با وجود وضعیت خاص زنان، مردان نیز با ستم‌های گوناگون مواجه بوده و حقوق‌شان شدیداً محدود شده است.

حاکمیت طالبان نه تنها دستاورد های حداقلی، بریده بریده و مقطعی را که در بیش از یک قرن در زمینه حقوق زنان به دست آمده بود، نابود کرد، بلکه دختران و زنان وطن ما زیر تسلط این گروه عقب مانده از ابتدایی‌ترین حقوق انسانی که حتا در روستاها و مناطق دور افتاده طی سده ها از آن‌ها برخوردار بوده‌اند، اکنون در شهرها محروم شده‌اند. حقوق زنان در همه ساحات زنده‌گی از جمله آموزش، گشت و گذار، تجمع مسالمت آمیز، اشتغال، مشارکت سیاسی و صحت به شدت محدود گردیده است. این اقدامات ضد انسانی مغایر همه تعهدات بین‌المللی می‌باشد که کشور ما به اجرای آن‌ها در گذشته متعهد شده است. افغانستان بعد از استقلال به‌حیث یک عضو جامعه بین‌المللی تعداد زیاد معاهدات بین‌المللی را تصویب کرده و به آن‌ها متعهد شده است؛ لذا مکلفیت دارد تا به مندرجات آن پابند باشد. هیچ گروهی حق ندارد با تسلط استبدادی بر کشور از آن تعهدات سرپیچی کند، مخصوصاً گروهی که از راه تروریسم و معامله با قدرت‌های خارجی اداره کشور را به دست گرفته باشد و با اتکا به دسته‌ای از جنگ‌جویان، بدون توجه به دیدگاه‌ها و نیازهای مردم، معیارهای دموکراتیک و حقوق بشری را با اتهام «غیراسلامی» نفی کند.

افغانستان منشور ملل متحد را امضا کرده و از همان سال‌های نخست تصویب اعلامیه حقوق بشر، پابندی خود را به آن سند مهم جهانی اعلام کرده است. یکی از اهداف منشور ملل متحد که در سال ۱۹۴۵ به تصویب رسید، عملی کردن «حقوق برابر زن و مرد و منع تبعیض براساس جنسیت» است. به تعقیب آن اعلامیه جهانی حقوق بشر در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۸ تصویب شد که براساس آن، برابری زن و مرد یک اصل جهانی است.

افغانستان به دو کنوانسیون عمده حقوق بشر، یعنی کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز الحاق کرده است. در هر دو کنوانسیون، بر تساوی حقوق زن و مرد تاکید شده و برابری جنسیتی در همه عرصه های زنده‌گی سیاسی، مدنی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی الزامی دانسته شده است. این کنوانسیون‌ها به اضافه اعلامیه جهانی حقوق بشر که در بالا ذکر شد، جمعاً به نام منشور حقوق بشر (Bill of Human Rights) یاد می‌شود.

کنوانسیون حقوق سیاسی زنان به تاریخ ۷ جولای ۱۹۵۴ نافذ گردید و افغانستان به تاریخ ۱۶ نوامبر ۱۹۶۶ به آن الحاق کرد. تعداد زیادی از کشورهای اسلامی به شمول تمام کشورهای آسیای میانه، پاکستان، مصر، اندونیزیا و ترکیه عضویت آن را دارند. این کنوانسیون حکومت های عضو را ملزم به حمایت از حقوق سیاسی شهروندان می کند و براساس آن، زنان باید مثل مردان از حق رای، حق انتخاب شدن و صلاحیت تصدی سمت های سیاسی برخوردار باشند.

سند مهم بین المللی دیگری در مورد حقوق زنان تحت عنوان «کنوانسیون الحاق کلیه اشکال تبعیض علیه زنان» می باشد که به تاریخ ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹ در مجمع عمومی سازمان ملل تصویب و به تاریخ ۳ سپتامبر ۱۹۸۱ نافذ شد. تمام اعضای سازمان ملل متحد به شمول افغانستان، به استثنای ۶ کشور، به آن الحاق کرده اند. کشورهایایی مثل عربستان، قطر، امارات متحده عربی و پاکستان از جمله اعضای این کنوانسیون هستند. دو کشور اسلامی ایران و سومالیا از جمله ۶ کشوری اند که این کنوانسیون را تصویب نکرده اند.

طوری که تذکر داده شد، این کنوانسیون خیلی جامع بوده و حقوق زنان را در تمام ساحات زنده گی مدنی، سیاسی و اقتصادی تضمین می کند. افغانستان با صلاحیت دیوان بین المللی عدالت در مورد اجرا و تفسیر این کنوانسیون موافقت کرده است.

کنوانسیون حقوق کودک در ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹ نافذ و تا به حال ۱۹۶ کشور به شمول افغانستان به آن الحاق کرده اند. این کنوانسیون دارای ده پروتکل است از جمله حقوق همبسته گی فامیلی، حق صحت، حق آموزش و تحصیل، حق مصونیت از سوءاستفاده جنسی، منع خرید و فروش، منع سربازی اجباری کودکان زیر ۱۸ سال و منع ازدواج کودکان. براساس این کنوانسیون، هر انسان کم تر از ۱۸ سال کودک شمرده می شود.

کنوانسیون علیه شکنجه و دیگر رفتارها و مجازات ظالمانه، غیر انسانی یا تحقیر کننده به تاریخ ۲۶ جون ۱۹۸۷ نافذ شد و ۱۷۴ کشور از جمله افغانستان شامل آن می باشند. افغانستان به تاریخ اول اپریل ۱۹۸۷ به آن الحاق کرد. در این کنوانسیون، شکنجه عبارت از عمل عمدی است که به وسیله آن درد یا رنج جسمی یا روحی به منظور کسب اطلاعات یا اعترافات از جانب مامور رسمی دولت یا کسی اعمال می گردد که در سمت رسمی عمل می کند یا با تحریک و سکوت او اجرا می گردد. امروز در افغانستان زیر حاکمیت طالبان جزاهای ظالمانه و تحقیرکننده را بر اقشار مختلف اعمال می کنند.

خلاصه، طالبان به صورت علنی و عملی ضدیت شان را با مندرجات میثاق های متذکره اعلام و اجرا می کنند. آنان بسیاری از حقوق مردم را نقض می نمایند از جمله حق حیات، آزادی، احترام به کرامت انسانی، برابری زن و مرد، شخصی بودن جرم، رای دادن و کاندید شدن، آزادی بیان، تاسیس جمعیت ها و احزاب، اجتماعات و تظاهرات، محرمیت مسکن و مراسلات و همچنان منع جزای های خلاف کرامت انسانی، بی اعتباری اقرار اجباری متهم و حق داشتن وکیل مدافع که همه در کنوانسیون های یادشده پیش بینی گردیده اند و افغانستان به آن ها متعهد شده است.

گروه طالبان به هیچ ارزش انسانی و بشری احترام قایل نبوده و منشور ملل متحد و اعلامیه حقوق بشر را همه روزه نقض می کند. طالبان به تعقیب، دستگیری و شکنجه منتقدان، محدودکردن آموزش، کار و گشت و گذار زنان و دختران (آپارتاید جنسیتی)، قتل های فراقانونی نیروهای امنیتی و اقلیت ها دست می زنند. قانون جدید امر به معروف و نهی از منکر طالبان شرایط خیلی غیرانسانی تر از آنچه را که تا حالا شاهد بوده ایم پیش روی مردم قرار داده و عرصه زندهگی را برای افغان ها سخت تر و تنگ تر ساخته است. طالبان محدودیت های بی سابقه ای را بر پوشش و ظاهر شهروندان و رفتارشان وضع کرده اند. از جمله در این قانون آواز زن عورت خوانده شده و به زنان دستور داده اند که در میان جمع آواز نخوانند، نعت نخوانند و قرآن تلاوت نکنند. در جایی از این قانون آمده است که محتسبان امر به معروف و نهی از منکر وظیفه دارند مانع بیرون شدن صدای زن و موسیقی از خانه و مجلس شوند. یعنی طالبان قصد دارند زنان را در خانه نیز از بلند کردن صدای شان محروم سازند. این دساتیر بدون هیچ تردیدی ضدبشری و مخالف کرامت انسانی است.

هیچ گروهی حق ندارد وقتی قدرت را تصاحب می کند، تعهدات بین المللی کشور را نقض کند، به خصوص در زمینه حقوق بشر که از جمله «حقوق اجباری» (Jus Cogens) بوده و حکومت ها حتا اگر تعهد نسپرده باشند، مکلف به اجرای آن ها هستند (ماده ۵۳ کنوانسیون وین در مورد حقوق معاهدات).

حالا اداره طالبان که در نقض حقوق بشر مانند ندارد، با پررویی تمام خواستار رسمیت بین المللی و کسب کرسی افغانستان در سازمان ملل متحد و دیگر سازمان ها می باشد. گروهی که به تعهدات بین المللی پابند نیست، شایسته کسب کرسی نمایندگی کشور ما نیز نمی باشد. انتظار می رود که جامعه جهانی و نهادهای بین المللی هرگز به این گروه فرصت ندهند که اداره ضد بشری خود را رسمیت بخشند و نمایندهگی رسمی ملت ما را در نهادهای بین المللی به دست گیرند.